

رابطه تربیت دینی کودک با سبک زندگی اسلامی

در گفت‌وگو با دکتر علی نقی فقیهی



دکتر علی نقی فقیهی دانشیار گروه علوم تربیتی دانشگاه قم، متخصص در تعلیم و تربیت و مشاوره اسلامی، بنیان‌گذار مشاوره اسلامی ایران، مؤسس و مدیر موسسه مطالعاتی مشاوره اسلامی و دبیر علمی همایش‌های مشاوره اسلامی از سال ۱۳۷۶ تاکنون و دارای ۳۰ جلد کتاب

منتشرشده در حوزه تعلیم و تربیت، بهداشت روانی و مشاوره است که تعدادی را به صورت انفرادی و تعدادی را نیز با همکاری محققان دیگر تألیف کرده است. از جمله این کتاب‌ها می‌توان به کتاب تربیت جنسی، مبانی، اصول و روش‌ها از منظر قرآن و حدیث، کتاب مشاوره در آینه علم و دین، کتاب آموزش جنسی پیش از ازدواج از دیدگاه اسلام، کتاب مبانی نظری و روش‌شناسی مقیاس‌های دینداری، کتاب آرای دانشمندان مسلمان در تعلیم و تربیت و مبانی آن و... اشاره کرد. از ایشان علاوه بر این کتاب‌ها، حدود ۶۷ عنوان مقاله به صورت انفرادی و یا گروهی در مجلات معتبر داخلی و خارجی نیز از ایشان منتشر شده است. پژوهشگر برتر (۱۳۸۸-۱۳۸۹) دانشگاه قم، دریافت لوح تقدیر و جایزه مقاله برتر در همایش حدیث رضوی در قم ۱۳۹۲، مقاله برتر و لوح تقدیر، همراه با جایزه ویژه از چهارمین همایش ملی فرهنگ کار، با عنوان «فرهنگ کار و خودکفایی در

قرآن و حدیث» از وزارت کار و امور اجتماعی بهار (۱۳۸۶)، از جمله افتخارات علمی دکتر فقیهی است که در ذیل به گفت‌وگو با ایشان با موضوع «رابطه تربیت دینی کودک و سبک زندگی» می‌پردازیم.

■ آیا می‌توان تعریف دقیقی از تربیت دینی ارائه کرد؟

برخی «مجموعه اقدامات رفتاری و گفتاری که به تربیت و سامان‌یابی شخصیت دینی انسان می‌انجامد را فرایند تربیت دینی می‌نامند» و یا به عبارت دیگر، تربیت دینی عبارت است از: «مجموعه اعمال عمدی و هدفدار به منظور آموزش گزاره‌های متبرک دین به افراد دیگر، به نحوی که آن افراد در عمل و نظر به آن آموزه‌ها متعهد و پایبند شوند» (داوودی، ۱۳۹۰، تربیت دینی ۲، ۲۶). به نظر می‌رسد این تعاریف، تعریف آموزش دین برای دین‌دار شدن افراد است و نه تعریف تربیت دینی و اصولاً باید توجه داشت که تربیت دینی در برابر تربیت اخلاقی، سیاسی، بدنی و مانند آن نیست؛ بلکه شامل همه آنها می‌شود. از نظر من تربیت دینی، یعنی تربیت بر اساس دین و به عبارتی، یعنی مبانی، اهداف، اصول و روش‌های تربیت، همه از دین گرفته شده‌اند و بر این اساس، اسلام تنها دین جامع و دارای نظام تربیتی است. مبانی، هدف غایی، اهداف کلی و رفتاری در گستره زندگی آدمی و روش‌های برگرفته از اصول و تأمین‌کننده اهداف، مراحل و فرایند تربیت، عوامل و موانع آن، همه و همه از منابع دینی استخراج می‌شوند. باید به این نکته توجه داشت که هیچ مسئله تربیتی نیست که اسلام درباره آن هدایت و راهنمایی لازم را نداشته باشد. بر این اساس، تربیت دینی، تنها آموزش، معرفی و تبلیغ دین، آموزش عقاید، احکام و اخلاق و پرستش و عبادت خدا نیست و حتی تنها پرورش معنویت نیست؛ بلکه تربیت مبتنی بر دین، فراهم‌سازی زمینه‌های رشد و شکوفایی تمام استعدادهای آدمی در

فصلنامه
علمی-تخصصی

پژوهش‌نامه

مجله تبلیغ

سال اول
شماره اول
بهار ۱۳۹۲



۱- اشاره به همه جنبه‌های تربیتی اعم از تربیت بدنی، زیستی، رشد عقلانی، اخلاقی، اجتماعی، عاطفی، سیاسی، اقتصادی و... است.

ساحت‌های گوناگون^۱ است و همه ظرفیت‌های انسان در رابطه با خدای خود، انسان‌های دیگر و جهان هستی را در حیطه‌های شناختی، عاطفی و عملکردی شامل می‌شود. لازم به یادآوری است که چون فقط اسلام دارای چنین نظام تربیتی جامعی است؛ پس بهتر است به جای تربیت دینی، تربیت اسلامی گفته شود.

■ اگر امکان دارد تعریفی از سبک زندگی، به‌ویژه سبک زندگی اسلامی برای مخاطبان فصلنامه بیان فرمایید؟

تعاریف گوناگونی برای سبک زندگی مطرح شده است، از قبیل سبک زندگی نظام‌واره خاص، یک نوع سبک زندگی است که به یک فرد، خانواده یا جامعه با هویت خاص اختصاص دارد (شریفی، ۱۳۹۱، ۲۸) و الگو یا مجموعه نظام‌مند کنش‌های مرجح است (مهدوی کنی، ۱۳۸۷: ۷۸)؛ که شیوه‌ای نسبتاً ثابت است و فرد اهداف خود را به آن طریق دنبال می‌کند (کاویانی، ۱۳۹۱: ۱۶). منظور از سبک زندگی اسلامی، شیوه زندگی فردی و اجتماعی است که همه یا بیشتر متدینین به اسلام یا قشر مؤثری از جامعه اسلامی به آن عمل می‌کنند و در رفتارشان منعکس می‌شود (مصباح، ۱۳۹۱، ۶)؛ طیف رفتاری که اصلی انسجام‌بخش بر آن حاکم است و عرصه‌ای از زندگی را تحت پوشش قرار می‌دهد (فاضلی، ۱۳۸۲، ۸۳). به نظر می‌رسد برای تعریف سبک زندگی اسلامی نخست باید توجه کرد که سبک زندگی، شیوه زندگی و یا سبک زیستنی را شامل می‌شود که منعکس‌کننده گرایش‌ها و ارزش‌های یک فرد یا گروه است و دوم اینکه در سبک زندگی، الگوهای نظام‌واره‌ای وجود دارد که همه رفتارهای مختلف زندگی فرد یا گروه را به هم مرتبط می‌سازند و از نوع هویت فردی، اجتماعی و دینی حکایت می‌کنند. سوم اینکه نوع نگرش‌ها و گرایش‌ها، منشأ سبک زندگی‌ها می‌شوند. اصول اعتقادی، جهان‌بینی و تفسیر و تحلیل از نظام



هستی و زندگی آدمی است که سبک زندگی را می‌سازد. مقام معظم رهبری در این باره می‌فرمایند: «رفتار اجتماعی و سبک زندگی، تابع تفسیر ما از زندگی است؛ هدف زندگی چیست؟ هر هدفی که ما برای زندگی خودمان معین و ترسیم کنیم، به طور طبیعی، متناسب با خود، یک سبک زندگی به ما پیشنهاد می‌شود» (بیانات رهبری در دیدار دانشجویان خراسان شمالی، ۲۳ مهر ۱۳۹۱). چهارم اینکه با توجه به نکات فوق می‌توان سبک زندگی اسلامی را نمونه عملی و نقشه راهی دانست که اسلام برای زندگی بشر ترسیم کرده است، به گونه‌ای که بینش فرد، گروه و جامعه را نسبت به نظام هستی، خود، خدا و دیگر انسان‌ها نشان می‌دهد و از تمام ابعاد زندگی در راستای هدف آفرینش حکایت دارد و زندگی در دنیا را با زندگی جاوید اخروی مرتبط می‌سازد. در متون دینی تعبیری که از سبک زندگی اسلامی حکایت می‌کند، عبارتند از: سیره، سنت و اسوه که می‌توان ویژگی‌های فوق را در این مفاهیم یافت.

■ آیا اساساً رابطه‌ای بین سبک زندگی و تربیت وجود دارد؟

بله، رابطه تنگاتنگی میان آن دو وجود دارد. تربیت، تغییر هدفمند پایدار است که به سبک زندگی می‌انجامد. تربیت صحیح مبتنی بر فطرت، سبک زندگی مطلوب و حیات طیبه جاوید که همان سبک زندگی اسلامی است را می‌سازد و تربیت غلط مبتنی بر عوامل فرهنگی تحمیلی، سراب اجتماعی و بیگانه از هدایت‌های انبیاء، سبک زندگی خاصی را از زندگی دنیایی می‌آفریند که اضطراب‌ها و ناآرامی‌ها و احساس پوچی در زندگی، پیامد آن است. تربیت اسلامی، فراهم‌سازی منظم و عمدی زمینه‌ساز رشد و شکوفایی هدفمند توانمندی‌های فطری و استعدادهای آدمی در جنبه‌های گوناگون بدنی، زیستی، عقلانی، اخلاقی، معنوی، اجتماعی، عاطفی، سیاسی، اقتصادی و... است. این

فعالیت بخشی به ظرفیت ها از آن جهت که هدفمند، جامع ابعاد آدمی و تأمین کننده اهداف آفرینش است و زندگی را به نمونه عملیاتی رهنمون می کند حیات طیبه و سبک زندگی اسلامی را می سازد. می توان گفت که سبک زندگی اسلامی، یک نوع روش خاص زندگی است که نتیجه تربیت بر اساس آموزه های مکتب اسلام است.

■ برخی بر این باور هستند که تربیت کودک یکی از مهم ترین چالش های سبک زندگی است، نظر خود را در این مورد بیان فرمایید؟

این بحث از دو زاویه مهم است: یکی از این جهت که تربیت، زمینه ساز سبک زندگی است؛ یعنی باید کودکانمان را با شیوه های اسلامی تربیت کنیم تا سبک زندگی اسلامی در آنان پدید آید. دوم از این جهت که سبک زندگی اسلامی والدین در زندگی خانوادگی، باید به گونه ای باشد که کودکان خویش را بر اساس آموزه های دینی تربیت کنند و نه تنها نگذارند کودکان از فطرت سالم خویش منحرف شوند، بلکه کوشش کنند توانمندی های طبیعی آنان را در جهت اهداف تربیتی پرورش دهند. از این رو، چه بسا نحوه تربیت کودک باعث چالش در سبک زندگی وی می شود که در زیر به چند مورد از آنها اشاره می شود:

الف) عدم احساس مسئولیت تربیتی

از چالش های عمده تربیت کودک در رابطه با سبک زندگی این است که برخی تصور می کنند در برابر کودک مسئولیتی جز تأمین نیازهای مادی او ندارند و کودک خود به خود تربیت می شود. این عدم احساس مسئولیت تربیتی در میان برخی والدین از چالش هایی است که جامعه امروزی با آن مواجه است و پیامبر اسلام ﷺ آن را پیش بینی کرده و برای رهایی والدین از این چالش، فرموده اند: «از ناحیه پدران بر سر فرزندان آخر الزمان چه خواهد آمد؟!» پرسیده شد: «ای رسول خدا! آیا از آن رو

که پدرانشان مشرکند؟» فرمود: «نه، بلکه از پدرانی مؤمن‌اند که به فرزندانشان چیزی از واجبات دینی نمی‌آموزند؛ بلکه آنان را از آموختن منع می‌کنند و به سود اندکی از دنیا که از فرزندانشان به ایشان می‌رسد، رضایت می‌دهند و من از آنها بیزارم و آنان نیز از من بیزارند». امام سجاد علیه السلام درباره لزوم احساس مسئولیت پدر نسبت به فرزند می‌فرماید: «حق فرزندت این است که بدانی از توست و در این دنیا خوب و بدش به تو وابسته است» (الفقیه، ۲، ۶۲۲).

از دیدگاه اسلام، فرزندان امانت الهی و نشانه‌های خدا هستند (نحل، ۷۲ و شعرا، ۱۳۳) و والدین درباره سلامت، رشد و تعلیم و تربیت آنها مسئول‌اند (بقره، ۲۳۳) و در برابر تربیت خوب، پاداش (مریم، ۵۵) و در برابر تربیت بد، کیفر خواهند دید (شوری، ۴۵).

در آموزه‌های دینی، برای تشویق والدین به اینکه از زیر بار مسئولیت فرزند شانه خالی نکنند و همه مسئولیت‌های خودشان را در ارتباط با فرزند انجام دهند، پاداش‌هایی قرار داده‌اند؛ یعنی برای کسانی که انجام وظیفه می‌کنند و به مسئولیت‌های خودشان در این زمینه عمل می‌کنند، پاداش و برای کسانی که در این رابطه مسئولیت‌پذیر نیستند، کیفر ذکر شده است. رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «هر کس به فرزندش قرآن بیاموزد روز قیامت پدر و مادر او را فرا می‌خوانند و دو جامه بر آن دو می‌پوشانند که از نور آن چهره‌های بهشتیان روشن می‌شود» (الکافی، ۶، ۴۹) و نیز رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «قرآن روز قیامت مردی رنگ پریده را می‌آورد و به پروردگارش می‌گوید: این شخص، کسی است که طمع او را به رحمت تو قوی کرده بودم و آرزوهایش را به مغفرت تو گسترده بودم، پس بر اساس گمان من درباره‌اش عمل کن. خدا می‌فرماید: ملک را به دست راستش و جاودانگی را به دست چپش دهید، پدر و مادرش را زیوری دهید که تمام دنیا با آنچه در آن است به ارزش آن نباشد، پس همه مردم روز قیامت به

آن پدر و مادر می‌نگرند و آن دو را عظیم می‌شمارند و خودشان نیز از این مقامشان به شگفتی فرو می‌روند و می‌پرسند: پروردگارا! این عظمت از کجاست؟ خدا می‌فرماید: این عظمت به سبب آموختن قرآن به فرزندان و تربیت او بر اساس دین اسلام و محبت پیامبر ﷺ و علی ائمه است» (مجلسی، ۸۹، ۱۰۶). این بشارت‌ها و اندازها برای آن است که والدین نسبت به تربیت فرزند احساس مسئولیت کنند و آنان را برای زندگی به سبک اسلامی آماده نمایند.

ب) تربیت تک بعدی

از جمله چالش‌ها در تربیت کودک، تربیت یک بعدی است. در تربیت کودک باید همه ابعاد وجودی وی متناسب با سن و موقعیت رشدش مورد توجه باشد و تمام جنبه‌های وجودی و شخصیتی او، به حد کافی پرورش یابد و هیچ جنبه‌ای مورد غفلت قرار نگیرد؛ به عبارت دیگر، همه توانمندی‌های کودک در ساحت‌های مختلف، با هم رشد نمایند تا به صورت جامع، شخصیت سالم در وی پرورش یابد و سبک زندگی اسلامی در تمام جنبه‌ها آشکار شود. رسول گرامی اسلام ﷺ پرداختن به امور گوناگون فرزند را حق وی دانسته و فرموده‌اند: «حق فرزند بر پدر این است که مادرش را سرزنده و گرامی بدارد و نام نیکو بر وی نهد و قرآن به وی بیاموزد و او را طاهر نگه دارد؛ شناکردن به وی بیاموزد و زمینه ازدواج او را فراهم سازد (کلینی، ۶، ۴۹). البته توجه به تربیت همه‌جانبه فرزند کار آسانی نیست؛ والدین باید از خدا کمک بخواهند تا در این زمینه موفق شوند. همان‌طور که امام سجاد علیه السلام یاری خواستن از خدا در این زمینه را آموزش داد: «وَأَعِنِّي عَلَى تَرْبِيَتِهِمْ وَتَأْدِيبِهِمْ... وَاجْعَلْهُمْ لِي عَوْنًا عَلَى مَا سَأَلْتُكَ»؛ مرا در تربیت و تأدیب و نیکی درباره ایشان یاری ده و ایشان را در آنچه از تو خواسته‌ام یاریم کن و در فراز دیگری از اینکه شیطان نگذارد موفق شود به خدا پناه برده و عرضه می‌دارد: «أَعِزَّنِي وَذَرِّبْنِي مِنَ الشَّيْطَانِ

الرَّحِيمِ، فَإِنَّكَ خَلَقْتَنَا وَ أَمَرْتَنَا وَ نَهَيْتَنَا وَ رَغَبْتَنَا فِي ثَوَابِ مَا أَمَرْتَنَا وَ رَهَبْتَنَا عِقَابَهُ... إِنَّ هَمَمَنَا بِفَاحِشِهِ شَجَعَنَا عَلَيْهَا، وَإِنْ هَمَمْنَا بِعَمَلِ صَالِحٍ ثَبَّتْنَا عَنْهُ، يَتَعَرَّضُ لَنَا بِالشَّهَوَاتِ، وَ يَنْصِبُ لَنَا بِالشُّبُهَاتِ، إِنْ وَعَدْنَا كَذِبًا، وَإِنْ مَنَّا أَخْلَفْنَا، وَإِلَّا تَصْرِفُ عَنَّا كَيْدُهُ يَضِلُّنَا، وَإِلَّا تَقِنَا خِبَالَهُ يَسْتَرْلِنَا؛ و مرا و فرزندانم را از شیطان رجیم حفظ کن؛ زیرا تو ما را آفریدی و امر و نهی کردی و در مزد اطاعت از امر خود تشویق و از عقاب ارتکاب نهی خود، تهدید فرمودی؛ ولی شیطان درصدد گمراه کردن ما است؛ چون به کار زشت و رسوایی همت گماردیم به ما جرئت می‌دهد و چون به کار شایسته‌ای رو آوریم، ما را از آن بازمی‌دارد. ما را به گناهان و شهوات آلوده می‌سازد و به پیروی از شبهات وادار می‌کند. اگر ما را وعده‌ای دهد، دروغ می‌گوید و اگر به آرزوها سرگرممان سازد، تخلف می‌کند و اگر مکرش را از ما نگردانی، ما را گمراه می‌سازد و اگر از فساد او نگاهمان نداری، ما را می‌لغزانند... (صحیفه کامل سجادیه، دعای ۲۵).

ج) عدم توجه به تفاوت‌های فردی

از جمله چالش‌های دیگر تربیتی کودک، عدم توجه به تفاوت‌های فردی است. معمولاً آموزش‌ها، کلی و عمومی هستند و کمتر برنامه‌های آموزشی و تربیتی با تفاوت‌های فردی دانش‌آموزان هماهنگ است؛ درحالی‌که هر انسانی، یک فرد مستقل و منحصر به فرد است و هیچ دو فردی را نمی‌توان یافت که از همه جهات شبیه به هم باشند؛ حتی دوقلوهای یکسان نیز که با هم متولد می‌شوند و با هم در یک محیط رشد می‌کنند کاملاً شبیه به هم نیستند. در واقع این تفاوت‌ها در اثر مسائل ژنتیکی و تأثیرات محیطی به وجود می‌آید. توجه به تفاوت‌های فردی در برنامه‌های تربیتی بسیار مهم است و باید در تربیت کودکان نیز مدنظر قرار گیرد. مربی و والدین در سیر مراحل تربیت فرزند و تربی باید از ویژگی‌ها، توانمندی‌ها، شخصیت و شرایط کودک، شناخت کامل پیدا کنند تا

بتوانند از عهده تربیت صحیح، بجا و کارآمد برآیند. آنها باید در جریان تربیت، گام‌های تربیتی کودک را متناسب با توانمندی‌های او انتخاب کنند و پیشرفت او را متناسب با خود کودک و نه در مقایسه با سایر کودکان بسنجند و برنامه‌هایی برای کودک در نظر بگیرند که از انعطاف بیشتری برخوردار باشند. توجه به تفاوت‌های فردی و پرورش استعدادهای ویژه کودک، وی را برای انطباق واقع‌بینانه شخصیت خود با سبک زندگی اسلامی آماده می‌سازد.

د) سخت‌گیری

سخت‌گیری و عدم انعطاف در اجرای برنامه‌های آموزشی و تربیتی از چالش‌های موجود در تربیت کودک است. اگر برنامه‌های تربیتی بر تسهیل استوار نباشند، نمی‌توان نشاط لازم برای همراهی و هم‌گامی کودک را با برنامه انتظار داشت. سخت‌گیری در تربیت با بی‌میلی کودک همراه می‌شود و نتایج منفی به بار می‌آورد (دلشادتهرانی، ۱۳۸۸، ۷۶). قرآن تصریح دارد که خداوند احکام شرعی را به گونه‌ای وضع کرده است که اجرای آن آسان و با سهولت انجام پذیرد؛ «یرید الله بکم الیسر و لایرید بکم العسر» (بقره، ۱۸۵). به سبب اساس بودن سهولت در تکالیف، عنوان جامعی که بر آیین پیامبر ﷺ اطلاق شده، «آیین سهله سمحه» است: «بعثت علی الحنفیه السهله السمحه»؛ از این رو، حتی در مواردی که طبیعت یک تکلیف، کمی دشوار است، خداوند بنا را بر مسامحت می‌گذارد؛ برای مثال در روزه که چنین طبیعتی دارد مسامحت خداوند آشکار است، چنان که افراد بیمار و مسافر مجازند در زمان دیگری که سلامت یا فراغت حاصل شد، روزه بگیرند.

اصل تسهیل در سال‌های نخستین زندگی و دوران کودکی از اهمیت بیشتری برخوردار است؛ زیرا وجود آدمی لطیف‌تر و ضعیف‌تر است و به سهل‌گیری

بیشتری نیاز دارد. رسول خدا ﷺ و امام صادق علیه السلام فرمودند: «خداوند رحمت کند کسی را که فرزند خود را در نیکی و نیکوکاری یاری کند، آنچه را در توان اوست از او بپذیرد و آنچه را که برایش طاقت فرساست از او نخواهد و او را با تکلیف بیش از طاقتش دچار سرگشتگی و شرمندگی نسازد» (کلینی، ۶، ۵). با سهل‌گیری در تربیت کودک می‌توان از احساس سرگشتگی و شرمندگی کودک و حس تنفر وی نسبت به مربی و والدین و از انجام ندادن درست تکالیف و سعی بر دروغ‌گویی و دلیل‌تراشی و همچنین از دست دادن شادابی، گوشه‌گیری، نگرانی و ایجاد عقده‌های روانی در او جلوگیری کرد و زمینه را برای زندگی وی به سبک اسلامی فراهم ساخت.

■ به نظر شما جایگاه متولیان امر تربیت (خانواده، مدرسه، مربیان، مبلغین، جامعه و...) در این فرآیند کجاست و هر کدام چه نقشی را بر عهده دارند؟

امر تربیت با پرورش‌های غیرمستقیم و در مراحل بعدی با آموزش‌ها و تربیت مستقیم خانواده آغاز می‌شود. خانواده نقش بسترسازی و پیش‌گیری را ایفا می‌کند. اگر در خانواده فرهنگ‌سازی و درونی‌سازی ارزش‌ها، درست و به موقع انجام شود، مشکلات تربیتی بروز نمی‌یابند. امروزه کارشناسان امور تربیتی معتقدند که اگر ما سرمایه‌گذاری‌های خود را از بسترسازی‌ها و پیشگیری‌ها آغاز کنیم، هم ریشه‌ای‌تر و اصولی‌تر و هم ارزان‌تر کار خود را به پیش می‌بریم. (عباسعلی شاملی، شماره ۲۴، ۱۳۸۸).

در مراحل اولیه کودکی بیش از مراحل دیگر، باید خانواده به فرزند محبت داشته باشد. امام علی علیه السلام با اشاره به شیوه تربیتی محبت، محبتش را به فرزندش امام حسن علیه السلام چنین ابراز می‌دارد: «... دیدم که تو پاره تن منی و بلکه بیشتر از آنی، تو برایم همه روح و جانی! هر بد و خوبی که سوی تو آید،

نصیب من شده است و اگر مرگ، نشان از تو بگیرد، جان مرا نشانه گرفته است؛ پس کار تو را کار خود دانستم و هر چه برای خودم می‌خواهم، برایت خواستم» (نهج البلاغه، نامه ۳۱).

وجود رابطه محبت بین والدین و فرزند باعث می‌شود که فرزند با آرامش و به سرعت در جهت یادگیری حرکت کند و علاوه بر این، سعی فرزند در جهتی سوق پیدا کند که توجه و محبت بیشتر والدین را با انجام کارهای درست و شایسته به خود جلب کرده و از کارهایی که باعث آزدگی آنان می‌شود، دوری کند؛ چون کودک به والدین علاقه‌مند است و در پی جلب رضایت آنان است. در واقع با این پیوند و رابطه به راحتی راه‌های خطا به روی فرزند بسته می‌شود و وی با طیب خاطر و با رضایت خود در مسیر تربیت گام برمی‌دارد. حتی اگر کودک ناسازگار شده باشد، باز هم یکی از اصولی که در تربیت چنین کودکی به کار می‌آید، همان اصل محبت است؛ کودکی که از محبت اشباع شده است، روانی شاد و دلی بانشاط و در نتیجه، قدرت سازگاری خوبی پیدا می‌کند. کودک اگر در خانه، محبت کافی دریافت نکند، دچار اختلالات روانی و رفتاری می‌شود؛ لذا توصیه شده همان‌طور که به فکر لباس و غذای جسم فرزندان هستید، باید به فکر روح و عواطف آنها هم باشید؛ باید به آنها محبت کنید؛ باید ناز آنها را بکشید و باید کاری کنید که روح آنها از محبت سیر شود، وگرنه بچه شما عقده‌ای می‌شود و اگر عقده‌ای شد، جنایتکار می‌شود (مظاهری، ۱۳۷۸، ۱۷۸).

بر اساس روایات ما، در مرحله نوجوانی باید والدین کودک را وزیر خویش قرار دهند؛ یعنی به فکر و شخصیت او احترام بگذارند، با وی در امور مشورت کرده و به او اعتماد کنند تا اعتماد به نفس او را افزایش دهند و در نتیجه زمینه استقلال را در وی فراهم نمایند و با آموزش وظایف و دادن مسئولیت و شرکت دادن او در کارهای گوناگون، عملاً او را به اطاعت خدا، یادگیری واجبات،



دوری از منکرات و انجام کارهای خیر و نیک دعوت کنند (مجلسی، ۷۱، ۸۶). امر تربیت در مدرسه و توسط معلمان و مربیان ادامه می‌یابد. متربی بعد از خانواده، مهم‌ترین و ریشه‌دارترین نقش‌پذیری را از مدرسه دارد. تربیت در مدرسه، بیشتر تربیت عمده و رسمی است. از آنجا که اولیای امور در سطح شورای عالی انقلاب فرهنگی و وزارت، سیاست‌ها و راهبردهای آن را مبتنی بر فرهنگ دینی و نظریات علمی تعیین می‌کنند و همچنین برنامه‌ریزی‌ها در سطح وزارت و اداره کل‌های آموزش و پرورش بر اساس روش‌های دانش تجربی روز، انجام می‌شود و معلمان و مربیان برای تعلیم و تربیت دانش‌آموزان، تربیت می‌شوند، در نتیجه نقش‌پذیری مثبت تربیتی دانش‌آموزان در مدرسه از نقش‌پذیری مثبت تربیتی فرزندان در خانواده‌ها، چه بسا بیشتر است؛ و چه بسیار کودکانی که در خانواده خوب تربیت نشده‌اند، اما در مدرسه تحول پیدا می‌کنند و مؤدب به آداب اخلاقی، اجتماعی و مانند آن می‌شوند. از این‌رو، اگر جامعه برای آموزش خانواده‌ها و ایفای نقش مثبت تربیتی آنها به دلیل کثرت، نتوانسته موفق باشد، ولی با برنامه‌ریزی‌های آموزشی و تربیتی در سطح مدارس می‌تواند تا حدودی، کمبودها را جبران کند. نقش مبلغان در تربیت مردم، به‌ویژه نوجوانان و جوانان، در صورتی که بر اساس اصول روان‌شناختی آدمی و هماهنگ با روحیات متربیان در سنین گوناگون باشد و با به‌کارگیری روش‌ها و فنون کاربردی و مؤثری که پیامبران و ائمه علیهم‌السلام در سیره عملی خود داشته‌اند؛ می‌توانند برترین نقش تربیتی را داشته باشند. از مهم‌ترین اصول روان‌شناختی که در تعلیم و تربیت انبیاء و ائمه همیشه و با شیوه‌های مختلف عملیاتی به‌کار گرفته شده، همراه با محبت بوده است که مردم در هر مواجهه تبلیغی - آموزشی و تربیتی از آنان مشاهده می‌کردند. روشن است که هر انسانی دوست دارد که او را دوست داشته باشند و با محبت با او رفتار شود. پیوندی قوی‌تر از محبت

نمی‌تواند انسان‌ها را به یکدیگر نزدیک کند. هر مربی علاقه‌مند است مربی‌اش او را قلباً دوست داشته باشد و رفتاری خلاف محبت از او نسبت به وی صادر نشود. رسولان الهی و رهبران معصوم علیهم‌السلام همه به این اصل تربیتی پایبند بودند و آن را به مبلغان و معلمان، مربیان و کلیه مؤمنان توصیه کرده‌اند. محبت باعث می‌شود شخصیت مربی سالم پرورش یابد و از سلامت روانی برخوردار شود. باید توجه داشت تا فرد رشد سالم و همه‌جانبه روانی نداشته باشد، نمی‌تواند خوب تربیت شود و به کمال و قرب برسد. از این‌روست که امام صادق علیه‌السلام می‌فرماید: «هیچ دانشی بالاتر از دانش سلامت نیست»؛ «لا علم کطلب السلامه» و از مهم‌ترین عوامل سلامت روانی مربیان، محبت دیدن آنها از والدین، معلمان، مربیان و مبلغان است.



منابع

* قرآن کریم

۱. خامنه‌ای، سید علی؛ بیانات معظم له در دیدار دانشجویان خراسان شمالی؛ ۲۳ مهر ۱۳۹۱.
۲. داوودی، محمد؛ تربیت دینی؛ قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۰.
۳. دشتی، محمد؛ نهج‌البلاغه؛ قم: موسسه تحقیقاتی امیرالمؤمنین علیه السلام، ۱۳۸۱.
۴. دلشادتهرانی، مصطفی؛ دلالت دولت: آیین‌نامه حکومت و مدیریت در عهدنامه مالک اشتر؛ تهران: انتشارات دریا، ۱۳۸۸.
۵. رضایی، محمد مهدی؛ صحیفه سجادیه؛ قم: دفتر نشر معارف، ۱۳۹۰.
۶. شاملی، عباسعلی؛ «فرایند تربیت فرزندان در اندیشه دینی؛ رویکرد آسیب‌شناختی»؛ فصلنامه کتاب زنان، شماره ۲۴، ۱۳۸۸.
۷. شریفی، احمد حسین؛ همیشه بهار، اخلاق و سبک زندگی اسلامی؛ قم: نشر معارف، ۱۳۹۰.
۸. شیخ صدوق، ابوجعفر محمد بن علی بن بابویه قمی؛ مَنْ لَا يَحْضُرُهُ الْفَقِيه، قم: انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۳.
۹. فاضلی، محمد؛ مصرف و سبک زندگی؛ قم: صبیح صادق؛ ۱۳۸۲.
۱۰. کلینی، محمد ابن یعقوب؛ الفروع من الکافی، ج ۶، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۵.
۱۱. کاویانی، محمد؛ سبک زندگی و ابزار سنجش آن؛ قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۱.
۱۲. مجلسی، محمدباقر؛ بحار الانوار؛ بیروت: دارالاحیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ ق.
۱۳. مظاهری، حسین؛ تربیت فرزند از دیدگاه اسلام؛ تهران: انتشارات چاپ و نشر بین‌الملل (وابسته به انتشارات امیرکبیر)، ۱۳۷۸.
۱۴. مصباح‌یزدی، محمد تقی؛ «سبک زندگی اسلامی، ضرورت‌ها و کاستی‌ها»؛ همایش سبک زندگی، قم: تالار مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی (ره)، ۱۳۹۰.
۱۵. مهدوی‌کنی، محمد سعید؛ دین و سبک زندگی؛ تهران: دانشگاه امام صادق علیه السلام، ۱۳۷۸.